

تجّار، در تعامل سیاسی و اجتماعی پس از جنبش مشروطیت

دکتر سهیلا ترابی فارسانی

مرکزی، کاملاً مرتبط بوده و در تغییرات صاحب مقامهای سیاسی در بوشهر و فارس، نقش داشته است. (۸)

تجّار، گاه با حکام محلی، درگیر می شدند و طبیعتاً در صورت دست نیافتن به سازش، دو وزنه قدرت، نمی توانستند یکدیگر را تحمل کنند. معمولاً سخت گیریهای مالیاتی و دیگر اختلاف نظر ها، موجب بر خورد می شد. از این نمونه، درگیری معین التجار با نایب الحکومه صیاب راه من توان نام برد (۹) و نیز، شکایت تجّار بیرجند از اجحافهای حکومت ابرطغ الممالک در دزدآب، که به انفصال وی از خدمت منجر شد. (۱۰)

تجّار، برای پیشبرد اهداف خود، بجز دوران اوایل مشروطیت، که به طور مستقیم در امور سیاسی مداخله می کردند، پس از فاصله گرفتن از قدرت نیز، نفوذ غیر مستقیم خود را حفظ کردند. همانند بسیاری از پیشروان خود، روشه می برداشتند و افرادی هم دورین خود را کنار می بردند که از منافع آنان حمایت می کردند. تجّار، دو مراد بی پایان محلی دفاع می کردند و بعضاً خواهان دوام حاکمیت آنان بودند. به طور مثال، حمایت تجّار اصفهان، از حکومت سردار ظفر، که توانسته بود امنیت و آسایش اهالی را فراهم نماید، از این نمونه است. (۱۱)

ابراز توافق یا مخالفت با هیئت دولت، از کارهای دیگری بود که تجّار به آن می پرداختند. هر چند در آن سالها، تشکلهای منسجم و منظمی در بین تجّار وجود نداشت، ولی تلگرافخانه، خطاب عموم تجّار صادر می شد. در سالهایی که محمدعلی شاه، تلاش می کرد مجدداً قدرت را به دست گیرد و دولت روسیه، با از دست دادن شاه، کفایت قدرت سیاسی خود را خالی یافته بود و نیابت سلطنت و دولتهای بختیارها و زمینداران، روبه سوی انگلستان داشتند، روسیه، می کوشید که به هم خوردن تعادل راه، از طریق عمال خود تغییر دهد. سعدالدوله، با اعمال سیاست روسیه، سعی می کرد با انتشار تلگرافهای جعلی به

از آنجانی که نهادهای نظام جدید مشروطیت، توانست در روابط حاکم بر جامعه، بدرستی استوار یابد و شکل روابط اجتماعی، به شکل گذشته باز تولید شده (۱) تجّار، برای ادامه فعالیت های تجاری خود، مجبور به رعایت همان روابط پیشین بودند. تجّار، به عنوان گروه مورد احترام حکام سیاسی و مردم، همچنان شاهن اجتماع خود را حفظ کردند. دعوت از تجّار بزرگ و معتبر در مراسم رسمی، از این نمونه بود. به طور مثال، دعوت از شیخ احمد تاجر گله داری در مراسم اعطای نشان جرج پنجم به شجاع نظام، در کنسولگری انگلیس در بوشهر (۲) شرکت تجّار، در مراسم جشن تاجگذاری محمدعلی شاه (۳) و استفاده از میانجیگری تجّار، به عنوان افرادی معتمد برای رفع بعضی اختلافهای سیاسی (۴)، حاکی از اهمیت و احترامی بود که برای این گروه قائل بودند.

مردم، تجّار راه واسطه ارتباط با مقامهای سیاسی می گرفتند. از این نمونه، می توان شکایت مردم را از برخی اعمال ستمگرانه و اجحاف مالیاتی حکامی نام برد که در این خصوص، نامه هایی به معین التجار نوشته شد. (۵) تجّار، برای اعمال نفوذ و حفظ موقعیت خود، مجبور بودند دو دسته بندیهای سیاسی وارد شوند. آنان، بناچار می بایست سیاسی می شدند. چون اقتصاد و تجارت، به سیاست آمیخته بود. تاجری که فقط به معامله و رسیدگی به حسابها و صیغور پروات می اندیشید، نمی توانست موفق شود. اخبار منتشر شده و نظر به های اولیای دولت و شناسائی باندهای قدرت، از ضروریات فعالیت تجّار بود. برای مثال، حمایت یا توجیه برخی از وزرا از معین التجار بوشهری (۶)، شکایت معین التجار از علاءالدوله، حاکم فارس و نامه های عین الدوله و مشیرالدوله، وزیر تجارت در حمایت از معین التجار، حاکی از لزوم برقراری رابطه بین تجّار و قدرتمندان بود. (۷) معین التجار، علاقاتی با مشیرالدوله و مخبرالدوله کرد و موافقتی، در خصوص عزل حاکم بوشهر به دست آمد. در نامه ای که محمدعلی نامی نوشته، مشخص است که معین التجار، با عناصر حکومت

نام تجار و علما، در مقابله با ناصرالملک و عین الدوله، کابینه تشکیل دهد. (۲۲) افکار عمومی، سعدالدوله را وابسته به روسیه و هدف او را، بازگرداندن شاه می دانست. مذاکراتی بین تجار تبریز با علما و تجار تهران، از طریق تنگرفخانه صورت گرفت. در بین مذاکره کنندگان، معین التجار بوشهری، حاجی ابراهیم قاسمی، سید مرتضی و حاجی باقر صراف و از تجار تبریز، می توان ملک التجار، کوزه کنانی و صدیقی را نام برد. (۲۳) از تجار بزرگ تهران، امین الضرب و معین التجار، به آذربایجانها گوشه کردند که هر چند شرایط کشور و رضایتش نمی باشد ولی افراد، در صدد اصلاح کابینه و بهبود شرایط هستند و باید بادش و بنگر و تشویق بیشتری، به امور پرداخت. نکته جالب در این واقعیت که مدتی بعد در تلگرافهای بعدی، جعلی اعلام شد (۲۴). این بود که تجار بزرگ، در سالهای قبل از جنگ جهانی، بتدریج خود را در جریانهای سیاسی خود می یافتند و حضور نسبی پیدا می کردند؛ با اینکه ناراضیاتی خود را از شرایط موجود اعلام می کنند، ولی به تلاشهای خیر خواهانه و شرایط و محدودیت کشور، واقف بودند و خواهان حرکت آگاهانه و دقیق بودند و حتی تذکر می دادند که ملت ایران، در این چند ساله به هر وسیله متوسل گشته یا از راه دیگری یا از راه جهل و نادانی، گرفتار نتایج وخیمه شده، طریق نجات را از کف داده. (۲۵) همین امر، ایمان آنان را به مشروطیت و تلاش برای ماندگاری آن، به رغم تمام مشکلات، نشان می دهد. تجار، حتی در شرایط بحرانی، برای نجات دولت مشروطه، حاضر به قرض دادن به دولت شدند و در پاسخ به تقاضای دولت برای استقراض ملی، هیئت تجار درجه اول، که در مجلس تجارته بوشهر، مؤسس و عضو بودند، تقاضای تشکیل دادند. حاج منیر محمد رضا، ناچار کازرونی و حاج عبدالرسول، رئیس التجار و حاج محمدباقر بهبهانی، در این امر تلاش بسیار کردند. در این نشست، مبلغ چهل هزار تومان برای پاسخ به استقراض دولت، تهیه شد و قول جمع آوری شصت هزار تومان دیگر نیز، پس از وصول قانون نامه استقراض، از سوی دوایر مرکزی داده شد. (۲۶)

مبادلات مالی تجار با سران دولت نیز، همچنان در دولت، حواله های پولی سردار ارفع به حاجی سلطان علی صاحب، تاجر شو شتری از تجار ایرانی در هند (۲۷) و پرداخت حقوق میرزا محمد علی خان مستوفی الدوله توسط معین التجار، از این نمونه بود. (۲۸) حکومت نیز سعی داشت حتی الامکان اعتراض و شکایتی از سوی تجار مطرح نگردد و رعایت آنان را جلب می کرد، چون گروه صاحب نفوذ و قدرتمندی بودند و معمولاً به شکایتهای آنها، تریب اثر داده می شد. سعدالدوله، وزیر تجارت اوایل مشروطیت، حکم ریاست تجار همدان را صادر کرد و در نامه خود تاه کید نمود که باید طوری باشد که تجار، شکایت نکنند و راضی باشند. (۲۹)

اعتراضها و شکایتهای تجار در این دوران، چندین وجه داشت. شکایت از عملکرد سیاسی حکام و اعتراضهای مالیاتی که در سرتاسر این دوران وجود داشت. در هر حال، تجار، برای پرداخت مالیات املاک خود و اجاره ها و امتیازهایی که از دولت می گرفتند، با وزارت مالیه درگیر بودند. دولت، از اعتراضهای دسته جمعی تجار، که عمدتاً با حمایت و پیروی اصناف از آنها، به

جریانی عمومی و بسته شدن بازار منجر می شد. هراس داشت. در سال ۱۳۳۱ ۱۹۱۳، اعتراض تجار خراسان، به مالیات جدیدی که پیشکار مالیه خراسان اعمال کرده بود، ماجرای عظیمی ایجاد کرد و به دنبال آن، واگش تجار و اصناف مناطق مختلف خراسان، آغاز شد. تجار و اصناف تون، از توابع طیس، طی نامه ای به وزارت مالیه، به شرح و وضعیت داد و ستد در آن منطقه پرداختند و پرداخت چنین مالیاتی را، در توان خود ندانستند. (۳۰) تجار خراسان، مالیات جدید را، با وجود همه خسارتهایی که در آن سالها به دلیل نارضی ایجاد شده بود و شرایط نامساعدی که به ورشکستگی تجار انجامیده بود، اجحافی مغایف بر خود دانستند (۳۱) و در اعتراض به شرایط جدید، بازار هاسته شد. هر روز بعد از تعطیل تجار، اصناف هم از هر طبقه، دکانها را بسته، از تجار تبعیت کرده، در مسجد جامع اجتماع نمودند. حتی میرزا حسین مجتهد هم، نتوانست تجار را وادار به باز کردن دکانهایشان کند. طی گزارشی که کارگزاری وزارت امور خارجه، از وضعیت سبزوار به تهران مخابره کرد، اداره مالیه سبزوار، از اولگ جمادی الثانی ۱۳۳۱، از اصناف طلب تعرفه کرده و تا پانزدهم ماه، از آنها تعرفه گرفته است. هنگامی که خواسته انداز تجار تعرفه بگیرند، آنان، جواب داده اند که ما، تابع مرکز هستیم. هر وقت در تهران یا مشهد، تجار تعرفه دادند، ما هم، اطاعت داریم. در نیس مالیه سبزوار، سعی کرده با قوه فهریه، از تجار تعرفه بگیرد، آنها هم، حجره ها و کاروانسراهای خود را بسته، به بیعت وزرا تلگراف کرده اند و به دنبال آن، اصناف نیز، از آنان تبعیت کرده، در مسجد جامع جمع شده اند. (۳۲)

تجار، به دنبال قانونی همه گیر، بکسان و منظم بودند. این رو، اعتراضها، گسترش می یافت. تجار مرنده، از وزارت تجارت، پرسش کردند که آیا حکم صادر شده، در تمام نقاط ایران و از طرف دولت، بر همه قانونی است یا صرفاً منطقه ای می باشد؟ هیئت تجار مشهد نیز، به وزارت تجارت تلگراف کردند. (۳۳) تلگرافهایی به وزارت داخله و مالیه مخابره شد. (۳۴) صف بلور فروش مشهد، طی تلگرافی به وزارت داخله و مالیه، با تصویب نکردن چنین قانونی تاکید کرد. (۳۵) تجار و کسبه سیستان، در اعتراض به مالیات و وضع شده، در کسولگری انگلیس متحصن شدند. وزارت خارجه، به مالیه توجه کرد، با مالیات معمول را بگیرد یا از روی داری و عدالت، بز عایدات مالیات بپردازد. (۳۶) طی تلگراف رمزی، از وزارت داخله خواسته شد تا پیش از گسترش اعتراض و تحصن بازارها و جلوگیری از خسارت بیشتر، هر چه در امر اصلاح و احسانه دهد. (۳۷) برای پایان دادن به آن وضعیت، وزارت مالیه، با همکاری مالیه خراسان نوشت: که اخذ مالیات بدون تصویب مجلس، غیر قانونی است و باید متوقف گردد. (۳۸)

از چگونگی بیان یکی از اعتراضهای منطقه ای تجار، در جلسه مجلس، می توان مشروطیت، به نکاتی می توان دست یافت که در فهم عملکرد دوایر مرکزی، توجیه است. از متن نامه های مربوط به آن مأموریتها، می توان چنین نتیجه می شود: (۳۹)

۱. توجه و تاکید تجار به قانون و لزوم استقرار و اهمیت آن در
۲. اهمیت همسانی و همه گیر بودن قانون و رفع تبعیضاتی که در دوران

تصیر می شد. فهم آنان از غرب، به میانی فکری آن بازنمی گشت بلکه بیشتر ناشی از دستاوردهای مادی تمدن غرب بود.

تجارت در سراسر کشور و حتی در جاهای دور افتاده، در امر توسعه مدارس مشارکت داشتند. حاج ناصرالتجار و حاج مشیرالتجار، از افراد مؤثر در گسترش مدارس محصور بودند. (۴۴) حاج محمدحسین امینالتجار، در ساختن مدرسه انبیه در منطقه اوزان نواحی لارستان فارس، همکاری کرد و همینطور، مخارج قبول شاگردان آن مدرسه را، به طور سالیانه تقبل کرد. (۴۵)

در میان جاهای پس از مشروطیت، در جای جای کشور، خبر از مشارکت تجار در تأسیس مدارس بود. همکاری گروهی تجار، در ایجاد مدرسه موسوم به جنبیه در بندر ناصری، که تئلا که امور مالی آن به عهده حاج رئیسالتجار، حاج سیدحسین شوشتری، سیداحمد تاجر شوشتری، سیدمحمدحسین تاجر شوشتری، حاج محمدظاهر تاجر شوشتری، محمدباقر تاجر بیهیانی و میرزا عبدالرحیم تاجر اصفهانی بود تجار شوشتری مقیم بمبئی نیز، در آن امر مشارکت کردند. (۴۶)

کمک مالی افتخارالتجار و حاج امینالتجار، در ساختن مدرسه شرکتیه، تبریز (۴۷) همچنین، پرداخت وجوهی از سوی تجار، در ساختن مدرسه انبیه در بارفروش (۴۸) و مدرسه اشجعیه سعادت در استرآباد (۴۹) تجار خراسان در کشور نیز، برای ایرانیهای مقیم خارج، دست به مدرسه سازی زدند. تجار مقیم بحرین، مدرسه ابتدائی در بحرین تأسیس کردند. (۵۰) توجه به تأسیس مدرسه دختران نیز، در بین تجار موجود داشته به طور مثال، ناظمالتجار سمائی، تلاش بسیاری در تأسیس مدرسه ابتدائی مسکینی دولتی در سمنان کرد. (۵۱) البته گسترش و رواج مدارس دختران، بسیار کمتر بود و مخالفتی با آن، صورت می گرفت که طبعاً از فعالیت تجار در این زمینه، می کاسته چرا که تجار، برای حفظ اعتبار خود، به دنبال یافتن سنتی جامعه در حرکت بودند و هیچگاه به مخالفت با آن، برخاستند. البته، در زمانی که مدارس دخترانه تا حدودی در بین مردم پذیرفته شده تجار نیز، به تأسیس آن کمک کردند.

تجار، علاوه بر تأسیس مدارس، در زمینه امر دیگری نیز، به پرداخت کمک داشتند. به عنوان مثال، برای آنها، هم جنبه اقتصادی و هم جنبه اجتماعی داشت. حضور تجار در انجمنهای خیریه، بیشتر ناشی از آنان به توقع مسئولیت قومی بود و به طور مثال، گروهی از تجار، در تشکیل انجمن معدلت تبریز و انجمن خیریه سعادت تبریز مشارکت داشتند. حاج میرزا محمدحسین تاجر، سیدمحمد کاظم در تبریز، حاج محمدتقی تاجر و حاج میرزا محمدتاجر تبریز، در امر کمک کنندگان در تأسیس خیریه معدلت تبریز بودند. (۵۲) این خیریه ها در نظام مشروطیت، به عهده امینالتجار، اقدام در امر تأسیس مدارس کردند. بعد از مدتی در تبریز، این خیریه اقداماتی در زمینه تأسیس مدرسه قالیبالی، آبراهه مسکینی مردم و خیریه رساندن شیر به کودکان سرپرست کرد. در تبریز، انجمن معدلت خود را جمع آوری گدایان و ترویج خیریه ملی اعلام نمود. (۵۳) در صنعت اعانهو کمک مالی تجار، گاه از مرزهای کشور نیز، به نفع خیریه های مسکینی مالی و خیریه خیر و خان دولت عثمانی که آنجا در تبریز، در تبریز و سیاحتی تبریز، توجیه کرده اند. (۵۴) مشارکت

تجار مقیم استانبول، در ایجاد دبستان و مریضخانه مظفری، (۵۵) از این نمونه بود. به نظر می رسد ملیت، قومیت و یا حتی تعلق به شهر و ناحیه ای بخصوص، در این گونه امور، تأثیر نداشت.

ب- امور فرهنگی و روشنفکران

روشنفکران و تجار بزرگ، و ترفیخواه، با یکدیگر مرتبط بودند. این ارتباط، شامل ملاقاتهای حضوری و مبادله افکار و نظریات یکدیگر بود که از این موارد، می توان به مذاکره گروهی از افراد برجسته انقلاب همچون حاج حسین امینالضرب، حاج معینالتجار، وثوق اللوله، مستشارالوله و سیدحسن خمیازه با چند تن از انقلابیون ارمی در دسامبر ۱۹۰۷ و ژانویه ۱۹۰۸، اشاره کرد که در خصوص فعالیت تبلیغی در خارج از کشور برای جنبش مشروطیت و در مقابله با نفوذ روس و انگلیس و جلب همکاری انقلابیون بلغار و مقدونی و گرجی و قفقازی با مجاهدان ایرانی، صورت گرفت. (۵۶) بجز گفتگوهای مستقیم این دو گروه، روشنفکران، از طریق روزنامه، شبنامه و دیگر وسایل ارتباطی، بر افکار تجار تأثیر می گذاردند و طبعاً تجار نیز، با نزدیکی به قشر اهل قلم، کمکهای مالی لازم را برای توسعه امور فرهنگی، به عهده می گرفتند. روشنفکران، در هر مورد، خطوط فکری خویش را به تجار ارائه می دادند. آنان، با آگاهی دادن از شیوه تجارت اروپائیان و مقایسه با روش متداول در ایران، تجار را به امری تشویق یا منع می کردند. این مسئولیت راه روزنامه ها به عهده داشتند. طی مقاله ای با عنوان «قابل توجه طبقه محترم تجار»، به آنان گوشزد شد که تجار ایرانی، باید از رویه تجارت خود را تغییر داده، طبقه تجارت اروپائیان را، در پیش گیرند. انتخاب شیوه و اسلوب صحیح تجاری، بیش از سرمایه اهمیت دارد. (۵۷) روشنفکران، از طریق روزنامه ها، تجار را به بهره گیری از «علم تجارت» ترغیب می کردند. آنان، سعی در تقویت سرمایه داری ملی در راستای قدرت سیاسی داشتند و آن را، در مقابل قدرتهای خارجی می دیدند. (۵۸) با مطالعه وضعیت اروپا که اقتدار خود را از طریق سرمایه تجارتی به دست آورد، تجار آن مسیر را، با استفاده از کالاهای وطنی و تقویت صنعت قومی همی دانستند و شکست شرکت اسلامی و کارخانه کبریت سازی امینالضرب و چیت باقی تهران را، به دلیل نداشتن حسن نوع پرستی در بین ایرانیان قلمداد می کردند. آنان، تأکید فراوانی و اصرار به امتناع از خرید از بیگانه را شعار خود قرار دادند و آن را، به ملت و تجار گوشزد می کردند. (۵۹) در این راستا، با استفاده از تجار ایرانی، همسو بودند.

روشنفکران، به ضرورت تشکیل اتاق بازرگانی و تلاش تجار در ایجاد اتاق بازرگانی، اشاره کردند و تعلل در تشکیل آن را، موجب ضرر و زیان تجار می دانستند. روشنفکران، از این طریق، به تبلیغ و انتشار عقاید خود می پرداختند. از سوی دیگر تجار، با پیوستن روزنامه های مشروطه خواه به جنبش ملیت، در این امر می دادند و آنان را، از همراهی و کمکهای مالی خود، بی نصیب نگذاشتند. ارتباط تجار با روزنامه نگاران، حاکی از همین امر بود. ملاقات حاج میرزا عبدالمحمدخان، مدیر روزنامه چهارچهره نما، که در مصر، منتشر می شد، با حاج غلامحسین تاجر کازرونی، از تجار بزرگ بوشهر و پذیرائی از وی، در دوران

اقامتش در بوشهر (۶۱) به منزله معارف پروری تجار بزرگ قلمداد می شد آقا سید آقا تاجر اصفهانی مقیم استانبول، در توزیع روزنامه ارشاد که معضلات مشروطه و مضار آستبداده را می نوشت، دخالت داشت. (۶۲)

این همکاری، از حد حمایت‌های مالی فراتر رفت و حتی تجار ترفیخواه، به تشکلهای فرهنگی راه یافتند. در سال ۱۳۳۷ ق.، هیئتی به نام «جمعیت نشر معارف آذربایجان» تشکیل شد و هدف خود را، توسعه دایره معارف و نشر و تعمیم علوم و تاسیس مدرسه و کتابخانه، تألیف و ترجمه کتاب کودکان و انتشار جراید و روزنامه‌های داخلی و خارجی، قرار داد و آن را موجب «توسعه افکار و تزکیه اخلاق» دانستند. تجار آذربایجانی، از جمله معتمدالتجار و حاج محمدعلی آقابادامچی در کنار مساوات و تمیز داده در این گروه حضور داشتند. (۶۳) تجار، حتی به این فکر افتادند که برای انجمن تجارت، روزنامه خصوصی تاسیس کنند و با انتشار مقاله‌های تجارتنی، جریان امور تجاری را قائلتر کنند. (۶۴)

روزنامه حبل‌المتین، که در کلکته منتشر می شد، رابطه نزدیکی با تجار ایرانی مقیم هند داشت؛ همچنین، با تجاری که به این منطقه رفت و آمد داشتند. (۶۵) این روزنامه‌ها، از کمک‌های مالی تجار بهره‌مند می شدند و وکالت آن را در برخی شهرها تجار به عهده داشتند. از جمله محمدحسین صاحب تاجر دهلشتی و کبیل حبل‌المتین در بوشهر بود. (۶۶) از تجاری که با روزنامه همکاری داشتند، حاج میرزا هاشم آقا تاجر اصفهانی، محمدحسین آقا تاجر کاشانی، آقا میرزا محمدجواد آقا تاجر افشار و خداپنده رستم تاجر ایرانی و وکیل تجارخانه جمشیدیان بودند. (۶۷)

ج- مواردی از فعالیت‌های اجتماعی تجار

شرکت تجار، در تشکلهای صرفاً سیاسی، بیشتر جنبه فردی داشت و خصیصه کلی این طبقه نبود. به طور مثال، یکی از نامزدهای حزب دموکرات، امین‌التجار بود. (۶۸) پس از اعلام او، اعتماد و روس، که کمیته دموکرات اصفهان، متعصب به اعزام یک عده مجاهد اصفهانی به تبریز، جهت دفاع حریب‌الایمان امین‌التجار، برای این امر داوطلب شد. (۶۹) البته در کمیته دفاع ملی تبریز، برای مقابله با هجوم روسیه تشکیل شد، تجار نقش فعالی نداشته و در بین اسامی، فقط حاج احمد تاجر تبریزی، آقا حاج حسن تاجر تبریزی، سید احمد ترک تاجر طورقروش، آقا سید مهدی ذوقانی تاجر بلخ و امیرزا محمدجواد تاجر کاشانی وجود داشتند. (۷۰) که در هند نالای از داوطلبان تشکیل شد. همین امر، نشان می دهد که تجار به دلیل نفوذ و اعتبار اجتماعی و سیاسی و حضور نداشتن در فعالیتهای صرفاً سیاسی، در این زمان فعال نبودند. در جمعیت‌هایی که دارای ایجاد اجتماعی، اقتصادی بود، بیشتر جنبه ملیت‌پروری مثال، حاج اطفعلی تاجر، میرزا آقا جان تاجر و علی اصغر تاجر از مؤسسان جمعیت ترفیخواهان ایران بودند که از اهداف این جمعیت، حفظ قوانین مشروطیت، امنیت مالی و جانی، نشر علوم و معارف و توسعه تجارت و رواج کالاهای داخلی، امنیت راه‌ها، ترقی و رفاهت، ایجاد گلخانه و به کار انداختن

معادن راه معرفی کرده بودند. (۷۱)

از موارد دیگری که می توان به آن اشاره کرد، نقش دو گانه تجار، در مسئله نان بود. از یک سو تجاری بودند که برای اصلاح عمل نان، با دولت همکاری می کردند و به صورت شراکت، بخت نان خوب و فراوان را در تهران تقبل می کردند. (۷۲) از سوی دیگر، مواردی از شورش مردم، بر ضد برخی تجار وجود داشت که آنان را، سبب گرانی و کمبود ارزاق و نان و از عوامل احتکار، قلمداد می کردند. از این نمونه، می توان طغیان و حمله مردم خراسان را به منزل معاون‌التجار ذکر کرد. مردم، او را عامل گرانی دانستند و لزوم حمله به خانه و انبار وی، مطرح شد. طلاب نزد علمای وقتند تا آنها را به جمع خود در آورند. ولی آنها، همراه نشدند. گروهی از طلاب و اصناف به سمت خانه معاون‌التجار حرکت کردند. وی، که حکم ایالت خراسان را گرفته بود، به تدارک نیروی نظامی پرداخت و از سواران شامسون و کاکویه، کمک گرفت و درگیری نظامی با مردم، غائله عظیمی در خراسان ایجاد کرد. (۷۳)

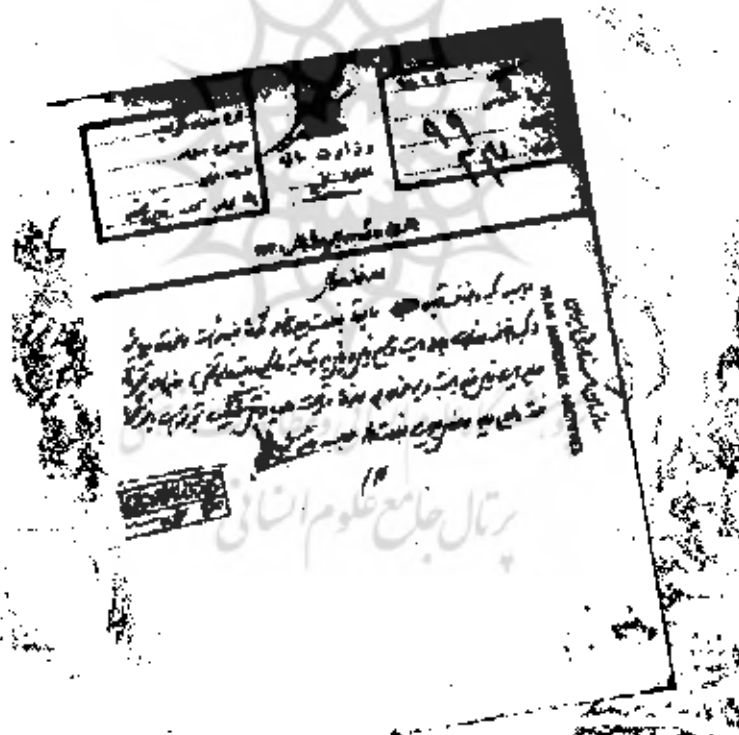
گرفتن مناصب دولتی در بین تجار، چندان متداول نبود. موارد اندکی آن، بیشتر جنبه فردی داشت. به طور مثال، سپردن حکم ایالت خراسان به معاون‌التجار و انتخاب ناصرالتجار، برای تصدی امر بلدیة حصره بود. (۷۴) از این گونه موارد قلیل، فقط در مشخصه فردی تجار، می توان سراغ گرفت؛ ولی روالی کلی، در این طبقه نبرد.

پی‌نوشتها:

۱. این مقاله، مبتنی بر اسناد موجود در سازمان اسناد ملی است. با علامت اختصاری (س) و شماره مرکز اسناد بنیاد مستضعفان، با علامت اختصاری (ک) تنظیم شده است.
۲. دعوتنامه شجاع نظام از شیخ احمد تاجر گدهان، به هیئت حکومت بندر عباس و مضامین، ۱-۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.)
۳. فعالیت‌های تجار تبریز، در تشکلهای اجتماعی، محمدعلی آقابادامچی، زین‌العابدین آقا، حاج محمدحسین آقا تاجر اصفهانی، حاج میرزا محمدجواد آقا تاجر طورقروش، که در روزنامه‌های خود در این طرز کمال آفاق و وسعت (تجدیل) نوشتن، سال ۱۳۲۶ هجری قمری ۱۳۲۵ هجری شمسی، ۱۳۱۷ ش. (م. ا. ب.)
۴. تقاضای چند نفر و کاتبی فضل‌الله شیخ شجاع‌الملک مشروطه، معتمدالتجار و امین‌التجار، برای تعلق با سایر تجار تبریز و ایجاد کمیته ملی و باز داری آنها از دست‌مندی روس بود در تبریز، کاتبی شجاع‌الملک، تبریز، بهمن ماه ۱۳۲۶ هجری قمری، ۱۳۱۷ ش. (م. ا. ب.)
۵. فعالیت‌های مالی و غیر مالی تجار تبریز، ۱۳۲۶ ق. (م. ا. ب.)
۶. محکومات تبریز، به وزارت عدلیه، شماره نامه ۱۱۵۹۴ ق. (م. ا. ب.)
۷. اعلام دولتهای ایران، به وزارت عدلیه، ۷ تیرماه ۱۳۳۱ ق. (م. ا. ب.)
۸. گزارش از معاملات قسین الشجره، با برخی از سران سیاسی و ملی تاریخ (م. ا. ب.)
۹. اسناد قسین، که تصدیق بر اقسام نوشته است، (بی تا) ۱۱۵۰ ق.
۱۰. اندک‌الف شکایت قسین، در نامه به مشیرالدوله رئیس وزارت عدلیه، ۱۳۲۲ ق. (م. ا. ب.)
۱۱. اسامی برخی تجار اصفهان، که از حاکمیت سردار خضر حاکم اصفهان، در تبریز، محمدحسین کازرونی، امین‌التجار، اعتمادالتجار، میرزا علی و قسین، محمدحسین سید حسن شکندار، حاج محمود شکندار، حاج محمدحسین قزوینی و قسین، در نامه به عموم تجار اصفهان، به رئیس الوزراء، ۱۳۳۰ هجری قمری، ۱۳۲۹ ق. (م. ا. ب.)

۶۹ هجرتجا سال ۲۸، ۲۴ ربيع الثاني ۱۲۳۵ زونين ۱۹۰۷ ش، ۲۱ ص، ۱۷
 ۶۳ اعضاي جمعيت نشر معارف اذربايجان، از اين قرار بودند: تقيزاده، سيد محمد رضا
 مساوات، حكوم الدوله، سالار مؤيد، ميرزا احمد قزويني، معتقد التجار، بارون سزاك (از
 معلمان مدرسة ارامنه، حاجي حسين آقا خاني، حاجي محمد علي آقا يادامجي،
 سيد محمد علي خان، آقا ميرزا آقا امير روزنامه نامه ملت، مشهدي حسن آقا خاينه، بارون
 آردش (معلم مدرسة ارامنه) هجرتجا سال ۱۷، ۱۵ رجب ۱۲۳۷ زونين ۱۹۰۹ ش، ۵ ص،
 ۱۳
 ۶۲ هجرتجا سال ۱۵، ۱۲ صفر ۱۲۳۶ مارس ۱۹۰۸ ش، ۲۳ ص، ۲۶
 ۶۵ هجرتجا سال ۱۵، ۲۶ شعبان ۱۲۳۵ سپتامبر ۱۹۰۷ ش، ۱۱ ص، ۸
 ۶۲ هجرتجا سال ۱۷، ۱۶ جمادى الثاني ۱۲۳۵ جولاي ۱۹۰۹ ش، ۱ ص، ۲۲
 ۶۷ هجرتجا سال ۱۴، ۵ جمادى الاولى ۱۲۳۵ زونين ۱۹۰۷ ش، ۲۲ ص، ۱۸، سال ۱۷، ۱۵
 ربيع الثاني ۱۲۳۵، ۲۵ اوتيل ۱۹۱۰ ش، ۲۶ ص، ۲۴ هجرتجا سال ۱۸، ۱۶ جمادى الثاني
 ۱۲۳۷ زونيه ۱۹۱۰ ش، ۲ ص، ۲
 ۶۸ آينده، ج ۱۱ ص، ۶۹۴، ۵
 ۶۹ امير قلي اميني، زندگي پر ماجراجي من، خاطرات وحيد، ش، ۳۹ ص، ۶۴
 ۷۰ حبل المتين، سال ۸، ۱۹ صفر ۱۲۳۰ زونيه ۱۹۱۷ ش، ۲۹ ص، ۱۲۴
 ۷۱ روزنامه جنوب، ۱۱ ربيع الثاني ۱۲۳۹ ش، ۱۶ ص، ۴ هجرتجا ش، ۲۲ ص، ۱۳ هجرتجا
 ش، ۱۸ ص، ۸
 ۷۲ روزنامه مجلس، ۱۲ شوال ۱۲۳۳ نوامبر ۱۹۱۶ ش، ۳ ص، ۳
 ۷۳ حبل المتين، سال ۱۳، ۱۲ ربيع الثاني ۱۲۳۴ اول زونين ۱۹۰۶ ش، ۳۸ ص، ۵ هجرتجا
 ۷۴ ربيع الثاني ۱۲۳۴ زونين ۱۹۰۶ ش، ۲۹ ص، ۱۰، ۱۲
 ۷۶ هجرتجا سال ۱۷، ۱۳ جمادى الاولى ۱۲۳۵، ۱۱ ش، ۲۲ ص، ۱۴، ۵۱

۶۹ اسامي تجار كسك كنده به تاسيس مدرسة الشجعية سعادت در استر آباد، از اين قرار
 بود: حاج كاظم تاجر تبريزي، حاج محسن تاجر كرمانى، محمد ابراهيم تاجر، حاج علي
 اشرف تاجر تبريزي، مشهدي غفار تاجر تبريزي، آقا ميرزا تقى تاجر اصفهاني، خدايش
 تاجر جديد الاسلام، آقا ميرزا الله تاجر، عبدالله تاجر، اسحاق تاجر، عبدالله تاجر، نصر الله
 تاجر، (هجرتجا سال ۱۷، ۱۳ شوال ۱۲۳۶ سپتامبر ۱۹۱۲ ش، ۲۳ ص، ۲۱، ۲۰)
 ۷۰ اسامي تجاري كه در مدرسه ساري در بحرین فعاليت داشتند: تاجر بوشهري، تاجر
 كازروني، حاج حسن تاجر دشتي، حاج عباس تاجر بوشهري، آقا ميرزا محمد حسن تاجر
 جواهرى شيرازي، (هجرتجا سال ۲۱، ۱۵ شوال ۱۲۳۶ سپتامبر ۱۹۱۲ ش، ۸۱ ص، ۱۲،
 زونين براي آگاهي بيشتر، نگاه كنيد به: سهيلا تونلي فارسي، اسنادي از مدارس دختران از
 مشروطه تا پهلوي (تهران، سازمان اسناد ملي ايران، ۱۳۷۸ فصل هفتم، ص، ۱۹۸، ۱۸۲،
 ۵۲ حبل المتين، سال ۱۲، ۱۹ جمادى الاولى ۱۲۳۵ زونيه ۱۹۰۷ ش، ۲۲ ص، ۱۰
 ۷۳ هجرتجا ص، ۸۱۱
 ۷۴ هز بين، كسك كندگان به عثمانى، اسامي چند تاجر ايراني و هندي وجود داشت:
 غلام محمد تاجر پشاورى، حاج محمد باقر تاجر، بيت سيلانسي و سينا تاجر هندي،
 (هجرتجا سال ۲۰، ۲۷ رجب ۱۲۳۶ زونيه ۱۹۱۲ ش، ۲۲ ص، ۱۳ هجرتجا، سال ۲۰، ۲۲
 ربيع الثاني ۱۲۳۶ مارس ۱۹۱۲ ش، ۲۰ ص، ۶، ۷
 ۷۵ هجرتجا، سال ۲۸، ۲۴ ربيع الثاني ۱۲۳۵ زونين ۱۹۰۷ ش، ۲۱ ص، ۱۷
 ۷۶ هجرتجا، ج ۱۹، ش، ۲۹ ص، ۶۹۷
 ۷۷ قزوين ش، ۱۳ ذى حجه ۱۲۳۷ زونيه ۱۹۰۹ ش، ۱۰۶ ص، ۲
 ۷۸ حبل المتين، سال ۱۴، ۱۷ صفر ۱۲۳۵ اول اوتيل ۱۹۰۷ ش، ۲۶ ص، ۸۹
 ۷۹ هجرتجا ص، ۱۰
 ۸۰ هجرتجا سال ۱۲، ۲۲ ربيع الاول ۱۲۳۴، ۱۹۰۶ ش، ۲۶ ص، ۲۲
 ۸۱ هجرتجا سال ۱۵، ۵ صفر ۱۲۳۵ مارس ۱۹۰۸ ش، ۲۶ ص، ۲۱





وزارت معارف
 و کانون عالی معارف
 تهران ۱۱ مرداد ۱۳۰۴

کتابخانه وزارت معارف
 تهران ۲۴ - ۲۵
 شماره ۴۹۲۴

وزارت معارف
 IRAN NATIONAL ARCHIVES

کتابخانه وزارت معارف
 و کانون عالی معارف
 تهران ۱۱ مرداد ۱۳۰۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

قیوم سید محمد
 موقوف موقوف
 نسب سید محمد
 به فرزند گنبد - آمل
 ۱۳۲۳

وزارت مالیه
 اداره ثبت

تاریخ
 شماره
 ثبت

تاریخ ۱۳۲۳

THE NATIONAL ARCHIVES
 NATIONAL ARCHIVES

به نفع سید محمد
 به نسبت فرقی ای که صادر گردیده در باره تغییرات مذکور در سند
 جهت ثبت نام آن در دفتر ثبت اسناد و اسرار و در دفتر اسناد
 قوه قضائیه و در دفتر اسناد و اسرار و در دفتر اسناد و اسرار
 و در دفتر اسناد و اسرار و در دفتر اسناد و اسرار
 و در دفتر اسناد و اسرار و در دفتر اسناد و اسرار
 و در دفتر اسناد و اسرار و در دفتر اسناد و اسرار

۱۱
 دانشگاه تهران
 دانشکده ادبیات و علوم انسانی
 کتابخانه مرکزی

